



چقدر می‌گیری از باخت تیم محبوبت خوشحال بشی؟!



در آستانه دربی به سراغ مردم کوچه و خیابان رفتیم و از آن‌ها خواستیم که تعصبشان به تیم مورد علاقه‌شان را با پول معامله کنند که پاسخ‌ها باور کردنی نبود

عاشقتم برای همیشه

چرا عشق هوادار به یک تیم را نمی‌توان با هیچ پولی قابل مقایسه دانست؟

سیدمصطفی صابری | روزنامه‌نگار

ZENDEGI - SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
یکشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۸
۲۲ محرم ۱۴۴۱ • ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۹
شماره ۲۰۲۰۱
۱۴۲۴

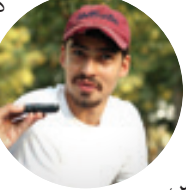
در زندگی اجتماعی، آدم‌ها را با برچسب‌های مختلفی می‌شناسیم که بر گرفته از تحصیلات، محل زندگی، علائق و... آن‌هاست، مثل مهندس، مشه‌دی، پرسپولیسی، کتاب‌باز، استقلال‌لی، فیلم‌بین و... گاهی ما دوست داریم با خواندن یک کتاب یا تماشای یک فیلم، یا ابر از علاقه به یک هنرمند، افزایش معلومات و تجربه‌هاو... این هویت را دقیق‌تر برای دیگران تعریف کنیم تا در دسته مشخصی از آدم‌ها قرار بگیریم و یکی از این انتخاب‌ها که شاید جزو جالب‌ترین انتخاب‌ها هم باشد تیم مورد علاقه یک نفر است. حتما شما هم آدم‌هایی را می‌شناسید که برای تعریف شخصیت خود به کلیشه‌های دم دستی رو می‌آورند تا خودشان را خاص جلوه بدهند. مثلاً می‌گویند: «فیلم‌های ایرانی ارزش تماشا ندارد، فیلم فقط هالیوودی! یا فوتبال ایرانی که ارزش وقت گذاشتن ندارد فوتبال فقط لالیگا!» این دست آدم‌ها می‌خواهند یک هویت از خودشان تعریف کنند و رای رفتار متداول آدم‌های پیرامونشان تا خاص باشند. البته هر کسی چنین اظهار نظری داشته باشد الزاماً اهل نمایش نیست اما عده‌ای هستند که خیلی راحت‌تر خودشان را تعریف می‌کنند؛ با عناوینی به ظاهر ساده اما پرچالش. مثل رفیقتم، داداشتم، بچه‌محلیم و... می‌توان ادعا کرد اهل تماشای سریال ایرانی نیستیم و در عمل تکرار «استایش» را هم از دست ندهیم اما به همین راحتی نمی‌شود از رفاقت گفت و جور دیگر عمل کرد چون تظاهر به رفاقت و... راحت لومی‌رود. بسیاری از این عناوین چنان مسئولیتی بر عهده فرد می‌گذارد که رفتار او را جهت می‌دهد و یکی از واقعی‌ترین هایش پرسپولیسی یا استقلال‌لی بودن است. چیزی که درون آدم در زمان نامشخصی که برای بیشتر ما کودک بوده است اتفاق می‌افتد و به راحتی عوض نمی‌شود. فرد می‌تواند بگوید من با ۵۰ میلیون تیمم را عوض می‌کنم اما اتفاقی که در قلب آن فرد می‌افتد با ادعایش فرق دارد. با هیچ قیمتی نمی‌توان واقعا درون قلب یک آدم را تغییر داد. عشق و علاقه می‌تواند جلوه‌های متنوعی داشته باشد، ما یک تیم را انتخاب می‌کنیم تا بخشی از هویت و شخصیت خود را تعریف کنیم. تا در زندگی اجتماعی خود یک سرمایه غیر مادی مشترک با میلیون‌ها نفر دیگر داشته باشیم. تا با هر ضربان قلب بازیکنان داخل زمین، ما هم استرس



و هیجان را تجربه کنیم، از روزمرگی فرار کنیم و به دامن نشاط برویم. برای همین است اگر قلبت به یک تیم گره خورد حتی اگر نتیجه‌نگیرد، دوستش داری. حتی اگر بیازد و طعنه‌بشنوی دوستش داری. تو بخشی از آن تیم هستی، مثل یک خانواده بزرگ، قرار نیست مثل بازیکنان به بهانه حرفه‌ای بودن فوتبال عشقت را به پول بفروشی. حتی اگر بگویی بابت پول هم خوشحال می‌شوی تیم محبوبت بیازد، دروغ گفته‌ای چون ناراحتی باخت بر شادی پول غلبه می‌کند اما چنین علاقه‌ای باید بخشی از تعریف شخصیت و هویت فرد باشد نه تمام آن. وقتی این احساس تبدیل به همه چیز می‌شود با نتیجه نگر فتن تیم تبدیل به خشم می‌شود سرهمکار، دوست، خانواده، حتی تیم خودی و حریف.

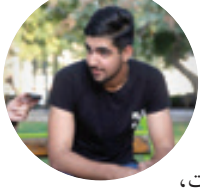
با ۵۰ میلیون هم به باخت استقلال راضی نمی‌شوم!

دوونیم میلیون درآمد دارد و با ۱۰۰ میلیون حاضر است تیمش دربی را ۴ بر صفر شکست بخورد و می‌گوید که شرایط اقتصادی به شکلی نیست که آدم از ۱۰۰ میلیون پول بگذرد اما وقتی مبلغ ۵۰۰ میلیون می‌شود در صورتی که استقلال دربی را ۶ بر صفر ببازد، او قاطعانه «نه» می‌گوید و اصلاً راضی نمی‌شود. برای پول، هواداران میلیونی استقلال متحمل این نتیجه شوند.



نام: احمد
شغل: آزاد
طرفدار چه تیمی: استقلال
احمد دانشجوی کارشناسی است و با لحن و چهره‌ای جدی می‌گوید به پدیده و استقلال علاقه دارد و همیشه عاشق رنگ آبی بوده و از کودکی حس می‌کرده که استقلال تیم با شخصیت تری است. احمد ماهانه

با یک میلیارد دهم راضی به باخت پرسپولیس نمی‌شوم!

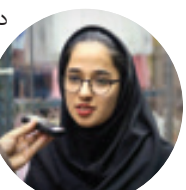


نام: محمد جواد
شغل: فنی
طرفدار چه تیمی: پرسپولیس
جوانی ۱۸ ساله با ظاهری اسپرت که مشغول قدم زدن در پارک است،

اولین فردی است که با او گفت‌وگو می‌کنیم. جدای از شغل فنی، در زمان‌های فراغت با خود و پیش کار می‌کند و ماهی چهار میلیون تومان درآمد دارد و تا کاید می‌کند که به شدت پرسپولیسی است و گاهی کل کل هایش در جمع دوستان کار راه‌جایی، باریک می‌رساند! از او می‌پرسیم: آیا در ازای دریافت ۵۰ میلیون تومان حاضر است از باخت پرسپولیس در دربی خوشحال شود؟ قویا می‌گوید: «نه». مبلغ را به ۵۰۰ میلیون می‌رسانم و می‌گوید با این که بسیار به دردمش می‌خورد اما باز هم پرسپولیس مهم‌تر است! وقتی می‌گویم یک میلیارد بگیر و باخت را بپذیر و چند روز بعد هم باخت را فراموش می‌کنی، تا کاید دارد که شاید بگیرم ولی باخت پرسپولیس را هیچ‌گاه فراموش نخواهم کرد!

با مبالغه ۹ رقمی هم تیمم را نمی‌فروشم!

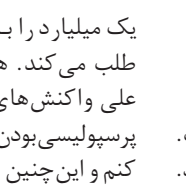
درباره فوتبال و علاقه‌اش به پرسپولیس با هیجان صحبت می‌کند و داشتن پدر و برادری پرسپولیسی را دلیل عشقش به این تیم می‌داند و می‌گوید تمام بازی‌های پرسپولیس را تماشا می‌کند و وقتی صحبت از معامله و باخت پرسپولیس می‌شود با ناراحتی می‌گوید؛ اصلاً تحمل باخت پرسپولیس را ندارد. حتی وقتی مبلغ هشت یا ۹ رقمی هم می‌شود قبول نمی‌کند و می‌گوید: پرسپولیس فروشی نیست.



نام: ساغر
شغل: دانشجو
طرفدار چه تیمی: پرسپولیس
خانم‌ها خیلی مایل به صحبت درباره دربی نبودند و خیلی هایشان هم به ظاهر دل خوشی از فوتبال نداشتند اما در یک مغازه پوشاک، دختری جوان و به شدت فوتبالی با ما هم‌کلام شد. دانشجوست و می‌گوید: تابستان را در مغازه پوشاک زنانه یکی از آشنایان مشغول به کار است،

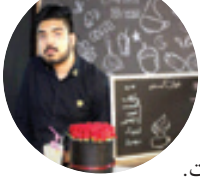
یک میلیارد را برای یک باخت معمولی قبول می‌کنم!

یک میلیارد را برای یک باخت معمولی طلب می‌کند. هنگام صحبت با حیدر، علی و اکش‌های خیلی جالبی داشت. پرسپولیسی بودن علی باعث شد با او نیز گفت‌وگو کنیم و این چنین هم‌کری می‌خواند: «پرسپولیس با عدد شیش خاطره دارد. بازی با صنعت نفت آبادان هم که بازی ماقبل دربی بود در روز بیست و ششم



نام: حیدر و علی
شغل: محصل
طرفدار چه تیمی: استقلال و پرسپولیس
حیدر سال آخر دبیرستان است و استقلالی با تعصب. کمی از خاطرات دربی و علاقه‌اش به استقلال می‌گوید. هر چه هم ما عدد می‌دهیم حاضر به معامله نیست. البته وقتی به میلیارد می‌رسیم، و سوسه می‌شود اما

عشق و تعصبم را نمی‌فروشم!

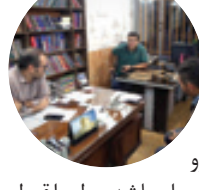


نام: علی
شغل: متصدی کافی‌شاپ
طرفدار چه تیمی: پرسپولیس
۲۰ ساله است و در جواب پیشنهاد ما می‌گوید به این مبالغه نیاز دارد اما عاشق، فروشی نیست و عاشق پرسپولیس است.

می‌گوید: عمری برای پرسپولیس با همه کل کل داشته‌است و برای معمولی‌ترین بازی‌های پرسپولیس هم دچار تپش قلب می‌شود.

دست کم باید ۱۰ میلیون بگیریم تا به باخت راضی شویم!

نام: عباس و سامان
شغل: مدیران یک آموزشگاه زبان
طرفدار چه تیمی: پرسپولیس و استقلال
در ادامه با مدیران یک آموزشگاه زبان دیدار کردیم که به شدت با هم کل کل داشتند. عباس حدود چهار میلیون درآمد ماهانه دارد و دارای مدرک دکترای آموزش زبان است. وقتی با پیشنهاد ما روبرو می‌شود، می‌گوید اگر نتیجه قابل جبران باشد، پول را قبول می‌کند اما نتیجه‌سگین را هرگز. مبلغ ۵۰۰ میلیون، عباس را برای باخت ۴ بر ۲ پرسپولیس و سوسه کرد اما دیگر حاضر به معامله نشد و ما هم به سراغ همکار استقلال‌لی اش رفتیم. سامان ۳۵ سال سن و دارای مدرک کارشناسی مترجمی زبان است. از شرایط فعلی استقلال گلایه دارد و از مساوی در دربی خوشحال می‌شود. می‌گوید: شرایط خوب این سال‌های پرسپولیس باعث شده است پرسپولیسی‌ها بعد از چند سال سکوت، دوباره کل کل کنند و قبل از این، رقیب‌شان خیلی حرفی برای گفتن نداشته است سامان که حدود چهار میلیون درآمد ماهانه دارد در مقابل پیشنهاد ۱۰۰ میلیونی ما را قبول می‌کند و تاکید دارد اگر پول در مقابل همکارش (عباس) قرار گیرد، حاضر به باخت پرسپولیس خواهد شد اما عباس قویا تکذیب می‌کند. صحبت در ادامه به سمت جام‌های قهرمانی آسیا و ستاره‌زدن روی پیراهن و کوری‌های همیشگی می‌رود که تعطیلی یک کلاس از آموزشگاه، باعث نیکم کاره‌ها شدن بحث ما می‌شود.



با ۵ میلیون راضی‌ام به هیچ باختن!

نوازی و فرزند مجیدی دلیل علاقه‌اش به استقلال بوده‌اند، وقتی صحبت از معامله و باخت تیمش می‌شود با ناراحتی قبول می‌کند، می‌گوید هزینه‌های زندگی چنان بالاست که وقتی رویای به دست آوردن چنین پولی تبدیل به واقعیت شود نمی‌توان از آن گذشت و با پنج میلیون تومان راضی می‌شود تیم محبوبش در دربی ۵ بر صفر بازنده باشد!

نام: مرضیه
شغل: فروشنده
طرفدار چه تیمی: استقلال
در مغازه زیورآلات و باخانی که به عنوان فروشنده در این مکان مشغول به کار است و ماهانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان درآمد دارد گفت و گو می‌کنیم. ۲۶ ساله است و بازیکنانی چون نیکبخت واحدی،

فقط چند بازی فوتبال دیده که آن‌ها بازی‌های تیم ملی در جام جهانی بوده است! طبیعتاً نیازی هم نبود که با او درباره معامله پول با تعصب به یک تیم، حرف بزنیم!

نام: محمد
شغل: آزاد
طرفدار چه تیمی: هیچ کدام
در طول این گزارش با چندین نفر روبرو شدیم فوتبالی نبودند محمد ۱۸ ساله یکی از آن‌ها بود. از او می‌پرسیم: تا به حال دربی را دیده‌؟ که می‌گوید: در تمام عمرش

معتقدیم هواداری آری؛ تعصب نه!



نام: حمید
شغل: آزاد
طرفدار چه تیمی: پرسپولیس
با خانوادگی اهل قم آشنا و با جوانی از این جمع مشغول گفت‌وگو شدیم.

حمید درآمدی معمولی دارد و پرسپولیسی است و تمام مبالغه را قبول می‌کند و شرایط اقتصادی را دلیل این تصمیم اش می‌داند و می‌گوید هواداری تا جایی خوب است که انسان را به اشتباه بزرگ نیندازد. پدر خانواده هم در ادامه به گفت‌وگو اضافه می‌شود. او باز نشسته بانک و درآمد ماهانه اش هفت تا هشت میلیون و پرسپولیسی است. همان ابتدا با او مطرح کردیم که آیا با دریافت ۵۰۰ میلیون حاضر به باخت ۶ بر صفر پرسپولیس می‌شود؟ و ایشان هم بدون مکث گفتند: بله! من مادی هستم و پول را قبول می‌کنم. این بار تر ک عادت کردیم و مبلغ را کم کردیم و به ۱۰۰ میلیون رساندیم اما گفتند: این مبلغ برای خراب کردن نماد شش، کم است!

بیکارم ولی با ۵ میلیارد دهم راضی به باخت فرمز هانیستم!



نام: علی
شغل: دانشجو
طرفدار چه تیمی: پرسپولیس
کنار دریاچه‌ای یکی از پارک‌های شهر، دو جوان در آرامش به حرکت قایق‌ها چشم

دوخته‌اند که به سراغ‌شان می‌رویم و گفت‌وگوی فوتبالی ما با آن‌ها که تقریباً هم‌دو آتشیه هستند، آغاز می‌شود. علی اهل همدان است و در در دانشگاه کاشان، مهندسی برق و الکترونیک می‌خواند. مشغول به کار نیست و عاشق پرسپولیس است و با ۳۰ میلیون هم حاضر نیست هواداران پرسپولیس را ناراحت ببیند. اما وقتی یک میلیارد را مطرح می‌کنیم، مرده می‌شود و به فکر فرو می‌رود. دوستش هم تاکید دارد که این عدد را بگیرد و با باخت پرسپولیس کنار بیاید اما وقتی بحث پنج میلیارد و باخت ۶ بر صفر پرسپولیس می‌شود، ابداراضی نمی‌شود نماد تیمش در کوری‌های دربی از بین برود می‌گوید در این مورد حاضر به مذاکره نیست.